۸
نخوانده
هفته نامه تخصصی دانشجویی
خرداد۱۴۰۴
۱۵۰۰۰ تومان

ایران پیروز



آغازی برای پایان اسرائیل

اسرائیل را نابود خواهیم کرد

آغازی برای پایان دردناک رژیم صهیونیستی

پاسخ ایران به اقدام تروریستی رژیم صهیونیستی متفاوت‌تر از قبل خواهد بود و قطعاً اسرائیل را تا مرز فروپاشی پیش خواهد برد و این اشتباه نتانیاهو می‌تواند آغازی برای پایان موجودیت رژیم صهیونیستی باشد.



در پی اقدام تروریستی رژیم صهیونیستی به کشورمان، جمعی از شهروندان، فرماندهان نظامی و دانشمندان هسته‌ای به شهادت رسیدند.

در این حملات که به تهران و برخی از شهرهای دیگر صورت گرفت، سردار سرلشکر حسین سلامی فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سردار سرلشکر غلامعلی رشید فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا(ص)، فریدون عباسی و محمدمهدی طهرانچی از دانشمندان هسته‌ای کشور و نیز تعدادی از مردم به شهادت رسیدند.

.

این حمله در حالی صورت گرفت که حتی داخل سرزمین‌های اشغالی نیز، بسیاری از تحلیل‌گران و سیاستمداران اسرائیلی، بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر این رژیم را متهم کرده‌اند که برای حفظ دولت خود و منافع شخصی، آگاهانه به گسترش دامنه جنگ در منطقه دامن می‌زند.

بی‌تردید اسرائیل بهای سنگینی برای این اقدام خواهد داد.

سردار شکارچی سخنگوی نیروهای مسلح نیز گفته است که حمله اسرائیل با کمک آمریکا صورت گرفته است و نیروهای مسلح حتماً پاسخ شدیدی به این اقدام خواهند داد.

پاسخ ایران به این اقدام تروریستی رژیم صهیونیستی متفاوت‌تر از قبل خواهد بود و قطعاً اسرائیل را تا مرز فروپاشی پیش خواهد برد و این اشتباه نتانیاهو می‌تواند آغازی برای پایان موجودیت رژیم صهیونیستی باشد.

سردار سلامی؛ فرمانده‌ای برجسته در عرصه علم، جهاد و معنویت

مشاور فرمانده سپاه در یادداشتی نوشت: شهید سلامی شخصیتی نظامی بود اما در عین حال نظامی‌گری را با جهاد فی‌سبیل‌الله درآمیخته بود و توانسته بود با شکوفا نمودن ابعاد شخصیت علمی، فرهنگی، عرفانی و معنوی خود به نظامی گری ارزش و اعتباری صدچندان ببخشد



حمیدرضا مقدم‌فر مشاور فرمانده‌کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی طی یادداشتی درخصوص شهادت سردار سرلشکر حسین سلامی فرمانده‌کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حمله تروریستی رژیم صهیونیستی که بامداد امروز، جمعه، به مناطق مسکونی و نظامی کشورمان به شهادت رسید، به شرح زیر نوشت:

دست جنایتکار رژیم صهیونیستی امروز به خون سرداری از سرداران سپاه پرافتخار پاسداران و یادگاری از یادگاران دوران دفاع مقدس آغشته شد، سردار سپهبد شهید سلامی سرداری در تراز مجاهدان مخلص راه خدا بود که سرنوشتی جز شهادت زیبنده آنان نیست و خدا خواست او نیز با چهره‌ای خونین خدای خویش و یاران شهیدش مخصوصاً حاج قاسم عزیز را که آرزوی پیوستن به آنها را داشت ملاقات کند.

او دارای شخصیتی ذوابعاد بود که جمع همه آنها در وجودش از او انسانی در تراز انقلاب اسلامی ساخته بود. او آیینه انسان‌هایی بود که انقلاب اسلامی در دامن خود پرورش داده بود تا زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی و بسترساز طلوع خورشید ولایت عظمای الهی شوند.

او شخصیتی نظامی بود اما در عین حال نظامی‌گری را با جهاد فی‌سبیل الله درآمیخته بود و توانسته بود با شکوفا نمودن ابعاد شخصیت علمی، فرهنگی، عرفانی و معنوی خود به نظامی گری ارزش و اعتباری صدچندان ببخشد.

او در عین حال که در کسوت فرمانده نظامی آشنا و مسلط به تکنیک‌ها و تاکتیک‌های جنگ بود به‌دلیل توانمندی‌های علمی‌اش می‌توانست به‌خوبی از فناوری‌های نو در امر فرماندهی یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های نظامی کشور بهره ببرد.

سردار سلامی به‌دلیل همین تسلط علمی که او را تبدیل به دانشمندی برجسته ساخته بود قول و عملش توسط اصحاب علم، فرهنگ و اندیشه مورد اعتنا قرار می‌گرفت و توانسته بود تراز فرماندهی سپاه را ارتقا بخشد و از ظرفیت‌های نخبگانی کشور برای پیشبرد اهداف سپاه در پاسداری عالمانه و خردورزانه از انقلاب اسلامی به‌خوبی استفاده کند.

او حافظ قرآن و نهج‌البلاغه بود اما باید اذعان نمود که او از این سطح فراتر رفته بود و حامل پیام‌ها و معارف قرآن و نهج‌البلاغه بود. کسانی که از نزدیک با ایشان حشر و نشر داشته‌اند می‌توانند گواهی دهند که او فرماندهی‌اش فرماندهی قرآنی بود و این قرآن بود که

بر او فرماندهی می‌کرد و امر فرماندهی او را سامان می‌داد، به‌طوری که در اکثر موارد به‌راحتی می‌شد تشخیص داد که منطق تصمیمات او چگونه از آیات قرآن الهام گرفته شده است.

یکی دیگر از ویژگی‌های وی ولایتمداری او بود، او به‌راستی خود را سرباز رهبر حکیم انقلاب می‌دانست و در قول و عملش می‌شد این احساسش را به عیان مشاهده کرد که به‌زبان حال به رهبرش می‌گوید؛ «روی من حساب کن».

او در سخت‌ترین شرایط امر رهبر را بر هر چیز دیگری ترجیح می‌داد و در پیروی از رهبر فرزانه انقلاب اسلامی نه دچار تعجیل می‌شد و نه تعلل بلکه چشم بر دست و فرمان ولی و گوش جان بر اجرای اوامرش داشت و در این راه «لاتأخذه لومة لائم» بود.

علاوه بر این سردار سلامی را باید یکی از مردمی‌ترین فرماندهان نظامی کشور قلمداد کرد، او مردم را دوست می داشت و از حضور میان آنان لذت می برد و در شنیدن سخنان و درخواست های آنان دچار سختی و تعب نمی‌شد و همواره به‌دنبال اجابت خواسته‌های آنان بود.

او شهیدانه زندگی کرد و با یادگاران شهیدان پیوندی عاطفی داشت به طوری که نقل می‌کنند تقریباً با همه خانواده‌های معظم شهدای مدافع حرم حضوری دیدار داشت و خود را موظف به رفع مشکلات آنان می‌دانست.

صبر، سعه‌صدر و حوصله‌ورزی و بسیاری از خصوصیات دیگر از او فرماندهی اخلاق‌مدار ساخته بود، کسی در مواجهه با او دچار لکنت زبان نمی‌شد و در برابرش احساس آرامش می‌کرد و باور می‌کرد که او دوستش دارد و او نیز مهر فرمانده را به‌دل می‌گرفت و با او پیوندی عاطفی برقرار می‌کرد و این باعث می‌شد مدیریت و فرماندهی‌اش بر قلب‌ها باشد تا بر ابدان.

شجاعت مثال‌زدنی‌اش که از دوران جهاد و حماسه به‌یادگار داشت از او فرماندهی مقتدر و خوار چشم دشمنان ساخته بود. دشمن روی حرف او حساب می‌کرد و می‌دانست که او در هر شرایطی تسلیم خواست و اراده دشمن نمی‌شود.

سردار سلامی در مقام سخن ادیبی والا و حقیقتاً به‌تأسی از مولایش امیر کلام بود که به او کنار تمام سجایای کم نظیرش قدرت مثال‌زدنی در عرصه جهاد تبیین داده بود.

اگر امروز مشاهده می‌کنیم او در آتش کین دشمنان سوخته و هدف اقدام تروریستی قرار گرفته است ناشی از شجاعت، عزم و اراده پولادینی بوده است که هراس بر دل دشمن افکنده بوده است.

او در سحرگاهان ایام غدیر با خون خود بیعتش را با مولایش که او نیز با چهره ای خون‌آلود و با ندای «فزت و ربّ الکعبه» به ملاقات خدایش شتافته بود، تجدید کرد و در عمل و در سرنوشت خونینش نشان داد که از متمسک بودن به ولایت حضرت علی‌بن ابی‌طالب علیه السّلام دلشاد و خشنود است.

طوبی له که دست در دستان علی علیه السّلام با سرافرازی و لباس پاسداری در دفتر کارش که قرارگاه اصلی میدان کارزار با دشمنان بود، به ملاقات خدا رفت و جام «ارجعی الی ربّک راضیة مرضیة» را نوشید.



شروع کردند، تمامش کنیم!

محمدکاظم انبارلویی فعال سیاسی و عضو شورای حزب مؤتلفه اسلامی در یادداشتی به صهیونیست‌ها هشدار داده است؛ تمام‌کننده جنگی که شما آغاز کردید، ما هستیم.



محمد کاظم انبارلویی در یادداشتی اختصاصی که صبح امروز پس از جنایت رژیم صهیونیستی در حمله به کشورمان صورت گرفته، بادعنوان "شروع کردند؛ تمامش می‌کنیم" به تشریح ابعاد این جنایات رژیم صهیونیستی پرداخته است. با هم این یادداشت را به شرح زیر می‌خوانیم:

۱. امام خامنه ای در اولین واکنش به شرارت رژیم صهیونیستی مجازات سختی را برای تروریست های مستقر در تل آویو که صلح جهانی را تهدید می کنند، پیش بینی فرمودند. فرمانده کل قوا تاکید کردند دست قدرتمند نیروهای مسلح جمهوری اسلامی رژیم جنایتکار صهیونیستی را رها نخواهد کرد.

۲.بعد از ضربه اطلاعاتی امنیتی وزارت اطلاعات به پیکره فرتوت رژیم صهیونیستی پیش بینی می شد که یک پاتک سنگین از سوی دشمن صورت گیرد.

پاتک دشمن را در وسعتی به اندازه حمله به مناطق مسکونی و به خاک و خون کشیدن زنان و کودکان بیگناه و نیز ترور هدفمند دانشمندان هسته ای و برخی فرماندهان نظامی را می شود اندازه گیری کرد.

متن پیام امام خامنه ای و بیانیه نیروهای مسلح نشان می دهد پاسخ، بیش از اندازه و فراتر از وسعتی خواهد بود که رژیم صهیونیستی پیش بینی خواهد کرد.

۳.بدون شک رخداد جدید، فصل جدیدی از مناقشات در غرب آسیا را رقم خواهد زد. جبهه مقاومت در منطقه قطعا در پاسخ ایران مشارکت خواهد داشت. رژیم صهیونیستی یک کشور تک بمبی است واکنش ایران در همه ارکان امنیتی، اجتماعی، سیاسی و نظامی اثرات نابود کننده ای خواهد داشت.

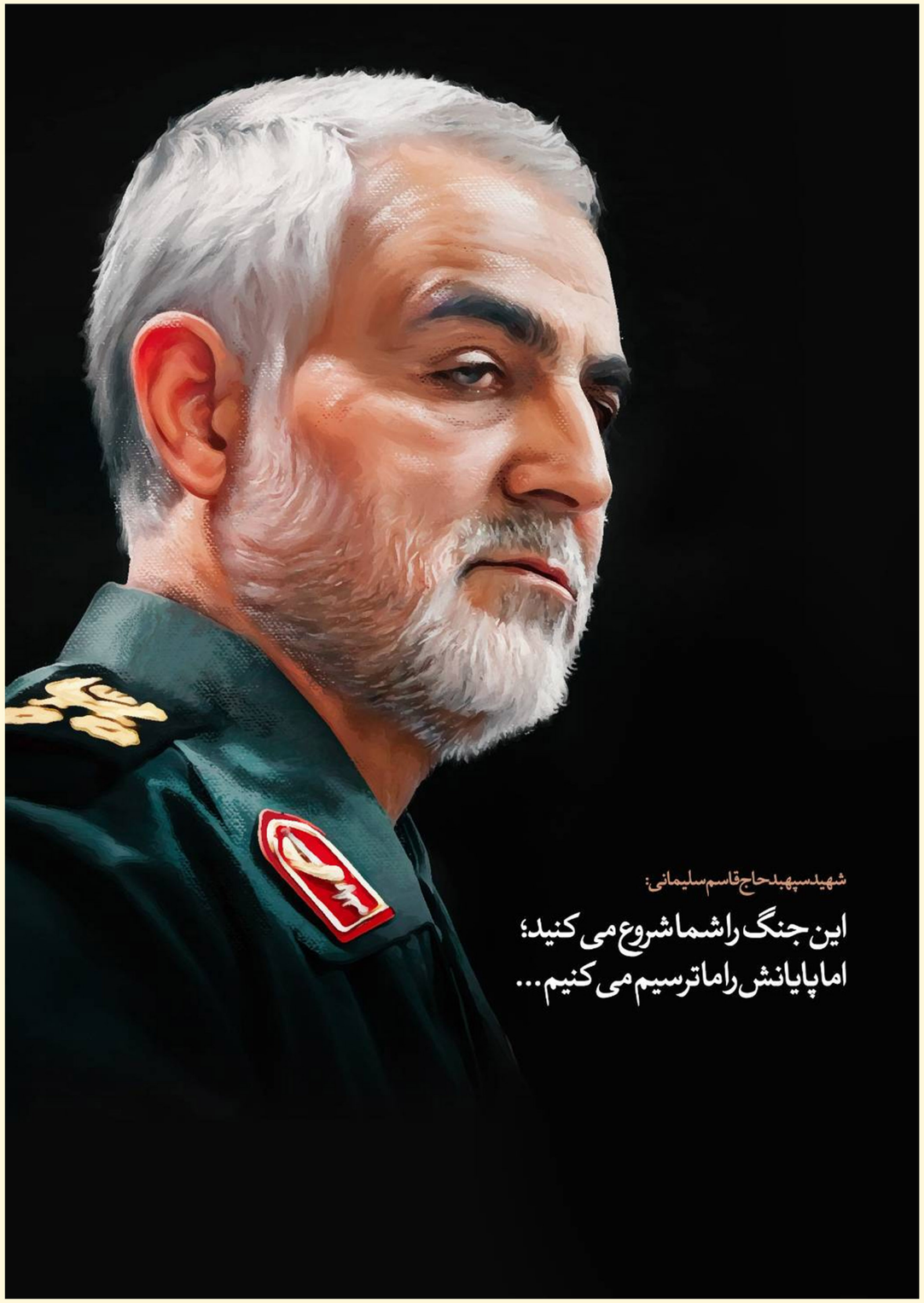
جمهوری اسلامی به لحاظ وسعت جغرافیایی و وسعت انسانی آن، شبیه یک اقیانوس است. شرارت رژیم صهیونیستی می تواند چند موج ایجاد کند. اما پاسخ ایران، طوفانی در سرزمینهای اشغالی ایجاد خواهد کرد که رژیم، ضربات مهلک طوفان الاقصی را فراموش خواهد کرد.

۴.شرارت رژیم صهیونیستی "تیر خلاص" به مذاکرات هسته ای بود. از ابتدای شروع مذاکرات جدید، معلوم بود آمریکایی ها در گفتگوها جدی نیستند. دارند "زمان" می گیرند تا در "زمین" فساد کنند.

آمریکا در حمله رژیم نقش اصلی و اساسی داشته و حتما در پاسخ سخت ایران سهم خود را باید دریافت کند.

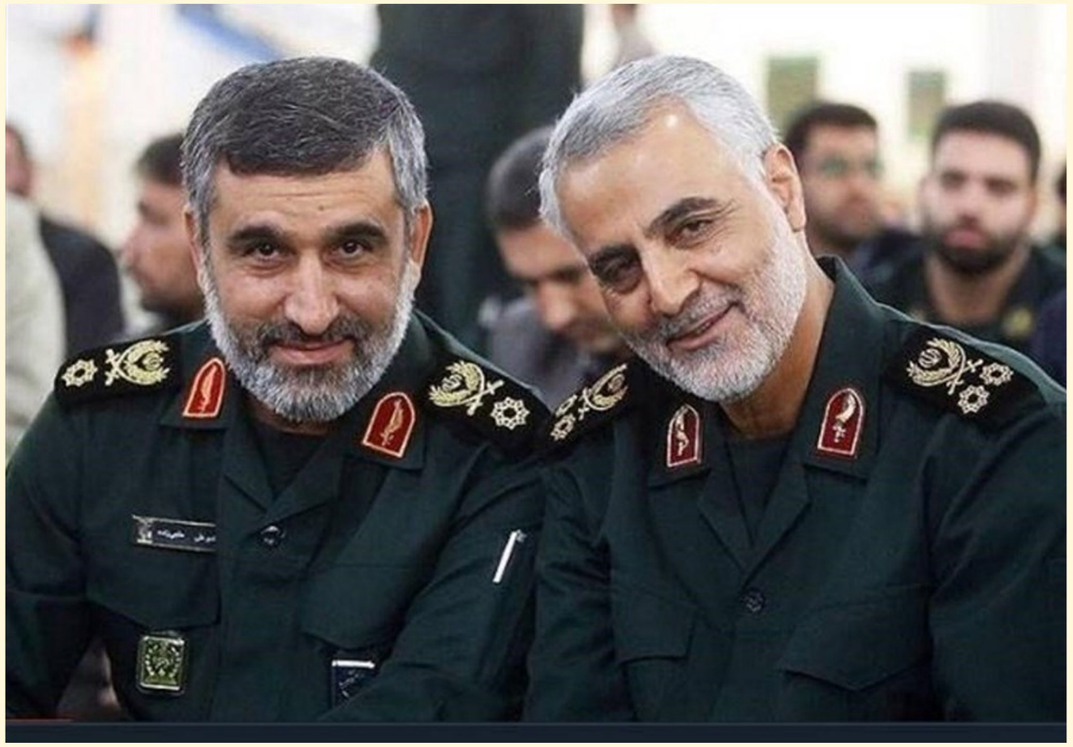
۵.بیانیه شورای حکام و نقش منافقانه گروسی به عنوان یک کادر تربیت شده موساد در آژانس یک علامت مثبت و حمایتگرانه برای حمله رژیم صهیونیستی تلقی می شود. اشتهای سیری ناپذیر جاسوسان هسته ای در قالب ماموران آژانس در انتقال اطلاعات پیشرفت های صلح آمیز هسته ای ایران حد یقف ندارد.
جمهوری اسلامی باید با اخراج بازرسان آژانس با پایان دادن به عضویت خود در ان پی تی برای همیشه به خیمه شب بازی صهیونیست ها در سالن نمایش آژانس پایان دهد.
۶.وفق عرف بین الملل و قوانین مقررات بین المللی در منشور سازمان ملل، ایران حق پاسخگویی به شرارت اسرائیل را دارد. روزهای سیاهی در انتظار رژیم کودک کش و جنایتکار رژیم صهیونیستی است.
حمله سحرگاه جمعه رژیم صهیونیستی به خویشتن داری نظامی ایران پایان داد. رژیم با شرارت جدید حکم نابودی خود را صادر کرد. پاسخ خیبری جمهوری اسلامی به عنوان صفحات زرین تاریخ اسلامی ایران ثبت خواهد شد.
۷.شهادت سرداران رشید اسلام باقری، سلامی، رشید و دانشمندان هسته ای تهرانچی، مینوچهر و عباسی را به ساحت امام زمان (عج) و نائب بر حقش امام خامنه ای تسلیت می گوییم.
شهادت این عزیزان در صبحگاه روز عید غدیر طلیعه آغاز سرفصل جدید در تاریخ مقاومت ملت ایران است.
از این پس نبردی آغاز خواهد شد که مرزهای حماسه را در تاریخ ایران و جهان جابجا خواهد کرد و افسانه ها را از سکه خواهد انداخت.
یقین داریم خداوند جنگی را قبول دارد که به خط و شیوه و مرام علی علیه السلام باشد. جنگ را شروع کردند، پایان آن را ملت ما تعیین می کنند. این قاعده ایست که شهید قاسم سلیمانی بعنوان یک اصل ثابت در نبردهای ایرانیان وضع کرده است.

شروع کردند، تمامش کنیم!



شهیدحاجی‌زاده معمار قدرت بازدارندگی و تهاجمی نوین ایران

سردار حاجی‌زاده در دوران فرماندهی رشد قابل توجهی در نیروی هوافضای سپاه ایجاد و به معمار نوین قدرت بازدارنگی و تهاجمی ایران بدل شد.سردار امیرعلی حاجی‌زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه صبح امروز و در جریان حمله رژیم صهیونیستی به کشورمان به شهادت رسید.



سردار حاجی‌زاده در ۹ اسفند ۱۳۴۰ در تهران زاده شد و از سال ۱۳۵۹ وارد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد. در سال ۱۳۶۳ با تشکیل فرماندهی موشکی در سپاه پاسداران به همراه سردار شهید حسن طهرانی مقدم از بنیانگذاران این فرماندهی بود و تلاش‌های گسترده‌ای برای شکل‌گیری این فرماندهی انجام داد.

پس از دوران دفاع مقدس به همراه سردار طهرانی مقدم مشغول فعالیت در حوزه گسترش فرماندهی موشکی شد و در مدتی فرماندهی یگان‌های موشکی نیروی هوایی سپاه را بر عهد گرفت و پس از آن مسئول عملیات فرماندهی موشکی شد.

پس از آن مدتی فرمانده مهندسی رزمی نیروی هوایی سپاه شد که در این دوره با تلاش فراوان و ابتکارات خاص، روند ساخت شهرهای موشکی را آغاز کرد که این روند در دوران فرماندهی‌اش در این نیرو نیز ادامه یافت و ایران به یکی از بزرگترین دارندگان شهرهای موشکی در جهان بدل شد. علاوه بر این فعالیت های شهید حاجی‌زاده در دوران مسئولیتش در فرماندهی مهندسی رزمی نیروی هوافضای موجب شد تا از سرریز فناوری‌های بکارگیری شده در ساخت شهرهای موشکی برای ساخت مترو در کشور نیز استفاده شود.

با انتصاب سردار احمد کاظمی به فرماندهی نیروی هوایی سپاه سردار حاجی‌زاده به فرماندهی پدافندهوایی این نیرو منصوب می‌شود و تلاش‌های زیادی برای تقویت ساختار پدافند هوایی سپاه صورت می‌دهد.

تا اینکه در سال ۱۳۸۸ به عنوان اولین فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب منصوب می‌شود و آغازگر فصل جدیدی از تولید قدرت دفاعی و بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران می‌شود.

در دوران فرماندهی سردار حاجی‌زاده علاوه بر ۴ فرماندهی در نیروی هوافضای سپاه شامل فرماندهی موشکی، فرماندهی پهپادی،فرماندهی عملیات هوایی، فرماندهی پدافندهوایی، فرماندهی فضایی نیز در این نیرو تشکیل می‌شود.

در این زمان سردار حاجی‌زاده که بیش از دو دهه است در بخش‌های مختلف نیرو فعالیت کرده و بخوبی با نیازمندی های آن آشنا است در می‌یابد که تنها با تکیه بر تحقیقات است که می‌توان موجب پیشرفت و تولید قدرت شد.

بر همین اساس سردار حاجی‌زاده با تدوین برنامه منظم و مبتنی بر نیازمندی‌های کشور و تهدیدات

دشمنان روند توسعه کمی و کیفی نیروی هوافضای سپاه را آغاز می‌کند. در این دوره هر ۵ فرماندهی نیروی هوافضا رشد و توسعه قابل توجهی را به خود می‌بینند به صورتکیه قابل مقایسه با قبل نیستند بصورتیکه پیشرفتهای نیروی هوافضای سپاه به عنوان شاخص پیشرفت‌های کشور شناخته می‌شود.

دروان فرماندهی سردار حاجی‌زاده در نیروی هوافضای سپاه را می‌توان دوران شکوفایی قدرت موشکی، پهپادی و پدافند هوایی دانست. در این دوران طیف متنوعی از موشک‌های بالستیک سوخت جامد و مایع و موشک‌های کروز توسط متخصصان نیروی هوافضای سپاه طراحی و تولید می شوند. این موشک‌ها که در ابتدای کار دقت و قدرت کافی را نداشتند رفته رفته به موشکهایی نقطه زن و با سرجنگی های متنوع و قدرتمند بدل می‌شوند که ضلع اصلی قدرت تهاجمی کشور را شکل می‌دهند.

پیشرفت‌های ایران در صنایع موشکی تاجایی پیش می‌رود که هراس در دل دشمنان می‌افکند و آنها را وا می‌دارد تا با اعتراف به قدرت تهاجم موشکی ایران، آنقدر از این قدرت احساس هراس کنند که بحث مذاکره بر سر موشکهای بالستیک ایران را مطرح کنند.

علاوه بر این بزرگترین عملیات‌های موشکی ایران نیز در زمان سردار حاجی زاده اجرا شده است. حمله به پایگاه های تروریست‌های تکفیری در عملیاتهای ضربت محرم و لیله القدر، حمله به مقر حزب منحله و تروریستی دموکرات کردستان عراق و حمله به مقر تروریست‌های داعش خراسان در سوریه بخشی از عملیات مهمی است که با فرماندهی شهید حاجی زاده صورت گرفت.

اما حمله به پایگاه آمریکایی عین الاسد در عراق در پاسخ به ترور سردار سلیمانی و اجرای موفق عملیات‌های وعده صادق ۱ و ۲ علیه رژیم صهیونیستی در پاسخ به ترور سردار زاهدی و سید حسن نصرالله مهمترین عملیات‌های موشکی اجرا شده با فرماندهی مستقیم سردار حاجی‌زاده هستند که در جریان آنها موشک‌های بالستیک ایرانی قدرتمندترین سامانه‌های پدافند موشکی جهان را مقهور توانایی عبور خود از این سامانه‌های می‌کنند.

یکی دیگر از بخش‌هایی که با فرماندهی سردار حاجی شاهد رشد قابل توجهی است فرماندهی پدافند هوایی است. سردار حاجی‌زاده که خودش هم قبلا مسئول این فرماندهی بوده است با درک صحیح از تهدیدات این حوزه و نیازمندی‌های کشور در این حوزه نیز تحقیقات برای رسیدن به فناوری‌های جدید را آغاز می‌کند و پس از چند سال موفق می‌شود بهترین سامانه‌های راداری و پدافند هوایی را طراحی و تولید کند.

از جمله این سامانه‌ها می‌توان به سامانه بومی سوم خرداد اشاره کرد که با تلاش و هدایت سردار حاجی‌زاده در نیروی هوافضای سپاه طراحی و تولید شد و در سال ۱۳۹۸ توانست یکی از بهترین و پیشرفته ترین پهپادهای آمریکایی یعنی RQ-۴ را بر فراز خلیج فارس منهدم کند و به این ترتیب قدرت پدافندی کشور را به رخ جهان بکشد.

فرماندهی پهپادی اما از دیگر بخش هایی است که می‌توان گفت با فرماندهی سردار حاجی‌زاده و پشتیبانی و ابتکارات وی آنچان پیشرفت می‌کند که طیف متنوعی از پهپادهای شناسایی، رزمی و انتحاری در آن طراحی و تولید می



شود و در کنار قدرت موشکی تبدیل به یکی از اضلاع قدرت تهاجمی کشور می شود.

پیشرفت‌های پهپادی کشور در زمان سردار حاجی‌زاده تاجایی پیش می‌رود که پهپادهای ایرانی آوازه جهانی پیدا می‌کنند و کشورهای زیادی مشتری پهپادهای ایرانی می‌شوند. همچنین این پهپادها آنچنان در صحنه عملیات می‌درخشند که مقامات آمریکایی مجبور می‌شوند به از دست رفتن برتری هوایی‌شان در منطقه در نتیجه عملیات پهپادهای ایران اعتراف کنند.

فرماندهی عملیات هوایی نیروی هوافضا که ماموریت‌های پروازی سپاه را برعهده دارد بخشی دیگری است که در دوران سردار حاجی‌زاده شاهد پیشرفت های قابل توجه است. این فرماندهی که ماموریت پشتیبانی نزدیک هوایی از رزم زمینی و همچنین ماموریت ترابری و مردمیاری را بر عهده دارد در زمان سردار حاجی‌زاده به فناوری‌های جدیدی مجهز می‌شود.

این فناوری در زمان سردار حاجی‌زاده موفق می‌شود برای نخستین مرتبه در کشور به فناوری اطفای حریق هوایی توسط هواپیما در کشور مجهز شود. متخصصان نیروی هوافضای سپاه در این دوران موفق می‌شود مخزن‌های اطفا حریق برای هواپیمای ایلوشین طراحی کنند تا در ماموریت‌های اطفا حرق هوایی شرکت کنند. این دستاورد موجب می‌شود تا سپاه موفق شود در بسیاری از ماموریت‌های اطفای حرق در داخل و حتی خارج کشور حضور یابد و از وارد آمدن خسارات گسترده به جنگل ها و برخی زیرساخت‌های کشور مانند بندر شهید رجایی جلوگیری کند.

در بعد رزمی نیز متخصصان فرماندهی عملیات هوایی این نیرو موفق به بازآماد هواپیماهای سوخو۲۲ وتجهیز آنها به سامانه‌های تسلیحاتی جدید و نقطه زن کنند تا قدرت پشتیبانی هوایی از رزم زمینی را تا حد مطلوبی ارتقا دهند.

علاوه بر این یکی از ماندگار ماموریت های نیروی هوافضای سپاه باراریزی هوایی برای مردم مظلوم سوریه در جریان جنگ با داعش و تروریستهای تکفیری بود که برای نخستین مرتبه سپاه را وارد باراریزی هوایی تاکتیکی کرد.





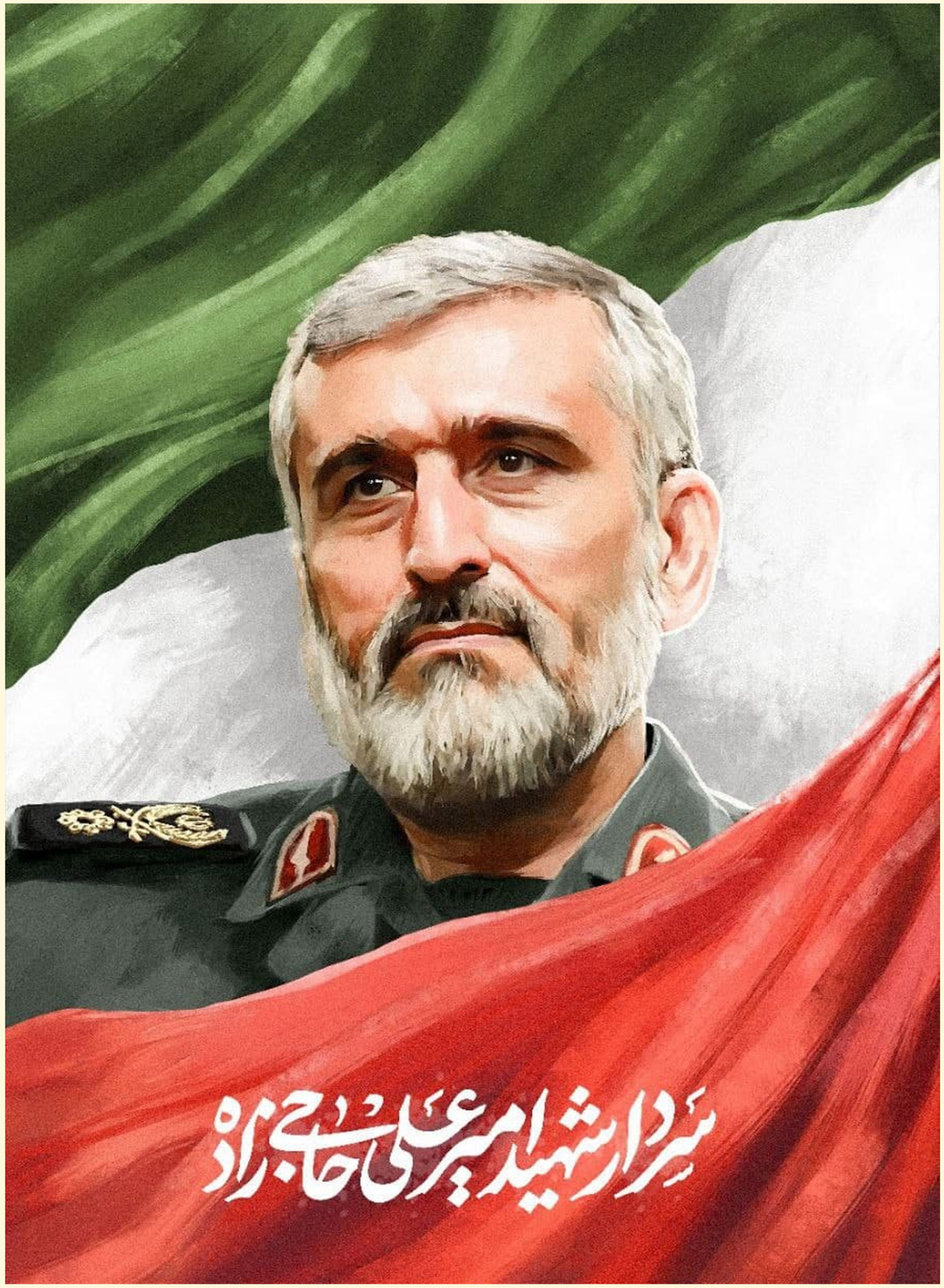


فرماندهی فضایی اما تنها فرماندهی است که در دوران فرماندهی شهید حاجی‌زاده تشکیل می‌شود و دروازه های فضا را به روی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌گشاید. با تشکیل فرماندهی فضایی در سپاه بعد جدیدی از قدرت برای کشور رقم می‌خورد و سپاه موفق می‌شود در سال ۱۳۹۹ با پرتاب ماهواره‌بر قاصد به فضا اولین ماهواره خود یعنی ماهواره نور را با موفقیت به مدار بفرستد.

پس از آن سپاه با طراحی ماهواره‌بر سوخت جامد قائم نسل جدیدی از ماهواره‌برها در کشور را تولید می‌کند که قابلیت‌های قابل توجهی به توان فضایی کشور می‌افزاید.

به این ترتیب می‌توان شهید سرلشکر حاجی‌زاده را به عنوان فرمانده‌ای متفکر با قدرت طراحی و برنامه‌ریزی منسجم و راهبردی دانست که نقشی بی بدیل در ارتقا قدرت دفاعی کشور و جبهه مقاومت ایفا کرده است که تاثیری شگرف در تولید قدرت بازدارندگی کشور داشته است.

شهیدحاجی‌زاده معمار قدرت بازدارندگی و تهاجمی نوین ایران



فرصت تاریخی برای طراحی نظم نوین

عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس در یادداشتی با اشاره به حملات جنایتکارانه رژیم صهیونیستی تاکید کرد: صهیونیست‌ها جنگ را آغاز کردند، اما با این کار، مهر پایانی بر مشروعیت خود زدند.



علی بهادری جهرمی، عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس در یادداشتی با اشاره به حملات جنایتکارانه رژیم صهیونیستی نوشت:

رژیم صهیونیستی تهاجم را آغاز کرد. اما گمان نمی‌برد که نخستین موشک هایش، آغاز آخرین پرده حیات سیاسی آن باشد. در معادلات راهبردی، گاه یک اشتباه محاسباتی، کافی‌ست تا نظم مسلط جهان دچار واژگونی شود. این جنگ، به ابتکار ابلهانه صهیونیست‌ها آغاز شد، اما پایان آن که به دست ملت ایران رقم بخورد، نه‌فقط سرنوشت فلسطین را دگرگون خواهد کرد، بلکه نقطه عطفی در افول قدرت آمریکا، تغییر تصویر جهانی ایران و آغاز بازآفرینی نظم اقتصادی جهان خواهد بود.

ایران در سال‌های اخیر، آماج شدیدترین تخریب‌های رسانه‌ای غرب قرار گرفته است. چهره‌ای وارونه، مبهم و تحریف‌شده از جمهوری اسلامی در رسانه‌های بین‌المللی تصویر شد؛ ملتی که به‌جای عقلانیت، با افراط گرایی، به‌جای استقلال با سرکوب، و به جای پیشرفت با انزوا معرفی می‌شد. اما اکنون که آتش جنگ شعله‌ور شده، فرصت تاریخیِ متفاوتی پدید آمده است: فرصتی برای نمایش ایران واقعی به جهانیان. ایرانی که نه‌تنها متجاوز نیست، بلکه با خویشتنداری هوشمندانه و پاسخ‌هایی بازدارنده، نشان می‌دهد که قدرت می‌تواند با حکمت همراه باشد.

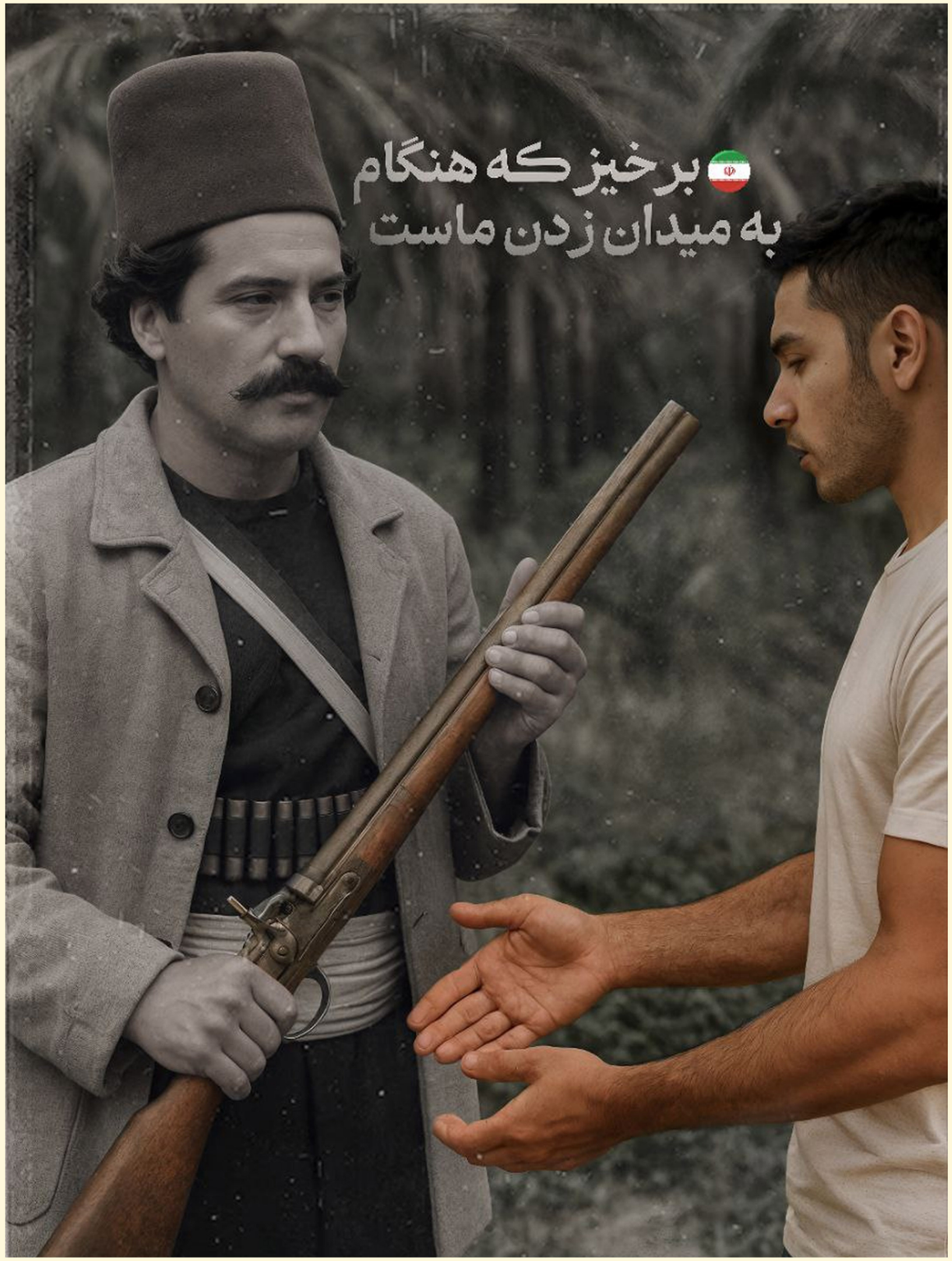
در این تقابل، برخلاف محاسبات صهیونیست‌ها، ایران نه در موضع انفعال بلکه در تراز قدرتی بازدارنده ظاهر شده است. انسجام داخلی، عمق راهبردی جبهه مقاومت، و مهم‌تر از همه، اعتماد به ظرفیت درونی، معادلات میدان را به نفع ایران تغییر خواهد داد. صهیونیست‌ها شاید جنگی را آغاز کرده باشند، اما به‌جای آنکه به تسویه حساب‌های کوتاه‌مدت دل ببندند، خود را وارد روندی تاریخی کرده‌اند که سرانجام آن، خروج کامل از صحنه مشروعیت جهانی خواهد بود.

نکته کلیدی آنجاست که پیروزی ایران در این نبرد، صرفاً دستاوردی نظامی نخواهد بود. این پیروزی معنایی سیاسی، اقتصادی و تمدنی دارد. نخست، اینکه قدرتی مستقل و غیرغربی توانسته از آزمونی نظامی علیه متحد اصلی آمریکا عبور کند، خود نشانه‌ای از افول

نظم آمریکامحور است. دوم، اینکه کشوری متهم به انزوا، در جنگی واقعی، با حمایت بخش قابل‌توجهی از مردم منطقه و حتی دولت‌های مستقل، به نماد عقلانیت دفاعی و مقاومت مقتدرانه تبدیل شود، خود بازآفرینی تصویر ایران در ذهن افکار عمومی جهانی است. سوم، آنکه ایران با عبور از فشارهای تحریم و شکست دادن پروژه‌های امنیتی-رسانه‌ای علیه خود، از درون این جنگ می‌تواند الگوی جدیدی برای ثبات منطقه‌ای و توسعه بومی ارائه دهد؛ الگویی که سرمایه گذاران شرقی و جنوبی را به‌سوی همکاری با ایران در ساختن نظم پساجنگ جذب خواهد کرد.

آغاز جنگ از سوی اسرائیل، اشتباهی بود که می‌توانست برای بسیاری از کشورها مهلک باشد؛ اما برای ایران، این خطا به فرصت تبدیل شده است. فرصتی برای آنکه جهان، با چشم خود ببیند که جمهوری اسلامی نه‌تنها مظهر اقتدار، بلکه تجسم عقلانیت، حکمرانی ملی و صلح عادلانه است. فرصتی برای اینکه ملتی که دهه‌ها به دروغ، تهدید معرفی شده بود، اکنون به عنوان نگهبان واقعی ثبات جهانی و مقاومت ضدسلطه، در صدر گفت وگوهای جهانی قرار گیرد.

صهیونیست‌ها جنگ را آغاز کردند، اما با این کار، مهر پایانی بر مشروعیت خود زدند. و ایران، اگر این فرصت تاریخی را به‌درستی مدیریت کند، که همین‌گونه هم خواهد بود باذن‌الله، تنها پیروز یک نبرد نخواهد بود، بلکه آغازگر نظمی خواهد شد که در آن، استکبار و استعمار آمریکایی تصمیم گیر نهایی نیست و ملت‌ها حق دارند بدون وابستگی، مقتدر، پیشرفته و آزاد باشند.



قسم به انگشت اشاره تو

سحر امامی مجری شبکه خبر، نه ترسید و نه ترساند بلکه با صلابت خود تهدید و حمله ددمنشانه رژیم صهیونیستی به ساختمان رسانه ملی را به فرصتی برای عزت‌آفرینی و غرور ملی تبدیل کرد.



جعفر درونه رئیس مرکز مطالعات راهبردی تسنیم در یادداشتی درباره واکنش غیزتمندانه شیرزن ایرانی، سحر امامی مجری شبکه خبر به بمباران ساختمان شیشه ای صدا و سیما نوشت: رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنی حکیمانه فرمودند: «از دل تهدیدها، فرصتها سر برمی آورند» و این سخن شهید حاج قاسم سلیمانی را نیز خوش به یاد داریم که به تأسی از مقتدایش فرموده بود:« «من با تجربه این را می‌گویم که میزان فرصتی که در بحران‌ها وجود دارد در خود فرصت‌ها نیست. اما شرط آن این است که نترسید و نترسیم و نترسانیم.»

در طول تاریخ پرافتخار جمهوری اسلامی کم نبوده‌اند کسانی که توانسته‌اند تهدیدهای دشمن را به فرصتی برای درخشش هر چه بیشتر خورشید انقلاب اسلامی مبدل سازند و چهره تهدیدگران را با رنگ ننگ سیاه کنند. اینان کسانی‌اند که نترسیدند و نترساندند و با اعتماد به نفس و امید به نصرت الهی سنگ‌های پرتاب شده از طرف دشمن را به خودش برگرداندند و او را در توطئه‌آفرینی‌های مذبوحانه‌اش ناکام گذاردند.

شب گذشته یک زن شجاع و قهرمان در عرصه رسانه بار این رسالت سترگ را بر دوش گرفت و با شایستگی هر چه بیشتر تهدید و حمله ددمنشانه رژیم صهیونیستی به ساختمان رسانه ملی را به فرصتی برای عزت‌آفرینی و غرور ملی تبدیل کرد.

او در کسوت یک زن و یک مادر، برخلاف حجم و شدت حمله دشمن نه تنها نترسید بلکه با صلابتی مثال زدنی تلاش کرد تا نترساند.

سحر امامی در اوج این حمله وحشیانه با انگشت اشاره‌اش بار دیگر چهره سیاه دشمن را به مردم

نشان داد و با صلابتی مثال‌زدنی فریاد برآورد: « آنچه که ملاحظه کردید تجاوز آشکار رژیم صهیونیستی به صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران است» او نشان داد دشمن، دشمن آگاهی و حقیقت‌طلبی ملت ایران است و بدون آن که ذره‌ای ترس در چهره و حتی لرزش در صدایش مشاهده شود رسوایی رژیم تجاوزگر را فریاد کرد و گفت: « صدایی که شنیدید صدای متجاوز به خاک وطن، صدای متجاوز به صدای حق و حقیقت است»

انگشت اشاره او که امروز نماد ایستادگی ملت ایران شده است، چون موشکی بر قلب دشمن فرود آمد و نشان داد تا شیرزنانی چون او هستند ملت ایران حتی در اوج چنین ددمنشی‌هایی سر خم نخواهد کرد.

انگشت اشاره او در هماره تاریخ افشاگر ماهیت دشمنی خونخوار است که جنایت نه خلق ثانویه، بلکه شاکله موجودیت منحوس اوست. او نشان داد زن سنگر گرفته در حجاب مقاوم است و مقاومت‌آفرین. از او باید بارها و بارها یاد کرد و حماسه‌اش را گرامی‌داشت تا فرزندان ایران زمین در دامن چنین مادرانی پرورش یابند و خواب راحت دشمنان را پریشان کنند.

انگشت اشاره او کجا و انگشت اشاره وطن‌فروشانی که به دشمن گرا می دهند و با توجیه جنایت‌های ضد انسانی دشمن، نسخه تسلیم و سازش برای چنین ملت قهرمانی می‌پیچند. این انشگت همان انگشتی است که بارها و بارها در برگ برگ شناسنامه ملت ایران نشسته است و ماندگاری، دوام و بقای ایران سرافراز را تضمین کرده است. ما به افتخار به این انگشت اشاره قسم یاد می‌کنیم در راه مقاومت ذره‌ای دچار شک و تردید نشویم و با اقتدار همپای جلودار انقلاب آن را بپیماییم چرا نه تنها عنکبوتی بودن خانه دشمن بلکه راه ایستادگی سلحشورانه در برابر تلاش های مذبوحانه‌اش را به ما نشان داد.

ما با این انگشت اشاره پی به قدرت خدا بردیم و به یادآوردیم که «بَلی قادِرِینَ عَلی أَنْ نُسَوِّیَ بَنانَهُ».

خداوند همان طور که اراده فرمود با سرانگشتان این ملت در دوازدهم فروردین ۵۸ فصل پرشکوهی را در تاریخ به نام ملت مجاهد و مقاوم ایران اسلامی سند بزند همچنان قادر خواهد بود با سرانگشتان انبوه بیشماری از مردان و زنان قهرمان ایران زمین و امثال خانم امامی این شیرزن عرصه رسانه ماندگاری و دوام و بقای این بنای رفیع را تضمین کند.



یادداشت| ایران در پیچ تمدنی تاریخ

ایران اسلامی امروزد آستانه مرحله‌ای از تاریخ ایستاده است که نه صرفاًیک گذارسیاسی یاتحولی مقطعی، بلکه تجلی یک پیچ تمدنی درمقیاس منطقه ای وبین المللی است؛همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب اسلامی با نگاهی ژرف و آینده نگر، ازآن به عنوان پیچ تاریخی یادکرده اند



جمهوری اسلامی ایران امروز در آستانه مرحله‌ای از تاریخ ایستاده است که نه صرفاً یک گذار سیاسی یا تحولی مقطعی، بلکه تجلی یک پیچ تمدنی در مقیاس منطقه‌ای و بین المللی است؛ همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب اسلامی با نگاهی ژرف و آینده‌نگر، از آن به‌عنوان «پیچ تاریخی» یاد کرده‌اند. در این مرحله، صورت‌بندی جدیدی از نظم قدرت، معنا و هویت در حال تکوین است و ایران اسلامی در جایگاهی قرار گرفته که نه تنها کُنش‌پذیر، که فعال، مؤثر و آینده‌ساز این نظم نوین جهانی است.

تحولات سالیان اخیر، از تقابل‌های میدانی در غرب آسیا تا جنگ شناختی در عرصه افکار عمومی و میدان اقتصاد، نشان داده است که جمهوری اسلامی ایران، با تکیه بر سه عنصر کلیدی مردم، رهبری و گفتمان انقلاب اسلامی توانسته تهدیدهای مُتراکم را نه تنها خنثی، بلکه به سَکوی پرش برای بازیگری مستقل و فعال بدل سازد.

این تجربه راهبردی، حاصل دهه‌ها ایستادگی ملتی است که در لحظات خطیر، به‌جای تسلیم، منطق مقاومت را برگزید و در برابر دشمن سر تسلیم فرو نیاوردند.

آنچه امروز در حال رخ دادن است، عبور از منطق تدافعی انقلاب به سوی هژمونی نرم و میدان‌داری تمدنی است. ایرانِ امروز، نه در موقعیت انفعال ژئوپلیتیک، بلکه در نقطه ثقل تحولات مقاومت منطقه‌ای قرار دارد؛ از موازنه‌سازی در برابر رژیم صهیونیستی و مهار راهبردی ایالات متحده، تا تثبیت گفتمان استقلال و بیداری اسلامی در جوامع مسلمان.

این تحول، نه محصول تاکتیک‌های لحظه‌ای، که برآیند راهبردی عقلانیت

متعهدانه است؛ همان عقلانیتی که رهبر معظم انقلاب آن را ستون فقرات مدیریت اسلامی در عصر بُحران‌ها می دانند.

در این مسیر، جایگاه شهیدان راه مقاومت، صرفاً یک منزلت عاطفی نیست؛ بلکه بخش مهمی از مهندسی اجتماعی گفتمان انقلاب را تشکیل می‌دهد. شهدای عزیزی چون سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، شهید طهرانی‌مقدم، شهید سلامی، شهید حاجی زاده و ... با کُنش‌های میدانی و فکری خود، گفتمان مقاومت را از سطح شعار، به سطح ساختار و الگوی راهبردی ارتقاء دادند.

این شهیدان، معماران حوزه تمدنی جدیدی بودند که مرزهای جغرافیایی را درنوردیده و «امت واحده» را در میدان‌های نبرد، معنا بخشیدند.
اکنون، انقلاب اسلامی در حال ورود به مرحله‌ای است که می‌توان آن را «مرحله تثبیت تمدنی» نامید؛ مرحله ای که در آن، عناصر نرم‌افزاری اقتدار به پشتوانه‌ی سخت‌افزارهای قدرت، هم‌افزا می‌شوند.

بنابراین، آنچه پیش‌روی ماست، صرفاً عبور از یک بحران یا پشت سر نهادن یک تهدید نیست؛ بلکه ورود به عرصه ای نوین از تمدن‌سازی اسلامی است.

در این میدان، لازمه موفقیت، چیزی فراتر از شعله‌های هیجان یا مصلحت سنجی‌های مقطعی است؛ این پیچ تاریخی، بیش از هر زمان دیگری، به حضور آگاهانه و ایستادگی مردم نیاز دارد. آینده، نه در انتخاب میان سازش یا ستیز، بلکه در انتخاب میان «هویت محوری تمدنی» یا «انفعال در نظم تحمیلی» رقم می‌خورد و ایران، امروز با پرچمداری مقتدرانه ولایت فقیه و پشتوانه ملتی سترگ، تصمیم خود را گرفته است؛ ساختن جهانی متفاوت، بر پایه‌ی آزادی، عدالت و عزت.



دیپلماسی سازش نیست؛ اِعمال اراده است

دیپلماسی با پشتوانه میدانی، اعمال اراده است؛ اما زمانی که یک دیپلمات با اتکا به دستاوردهای میدانی، توانمندی‌های دفاعی، انسجام داخلی و عمق راهبردی منطقه‌ای سخن می‌گوید، میز مذاکره به میدانی برای تحمیل محاسبات جدید به دشمن تبدیل می‌شود.



یادداشتی با عنوان "دیپلماسی سازش نیست؛ اِعمال اراده است" در تحلیل فعالیت‌های این روزهای دستگاه دیپلماسی کشور در پیگیری و احقاق حقوق ملت ایران در عرصه بین المللی منتشر کرده است.

متن این یادداشت را در ادامه می خوانید:

در میانه تقابل مستقیم با رژیم صهیونیستی، جامعه ایران با آزمونی برای درک عمیق‌تر از مولفه‌های قدرت ملی مواجه است. یکی از کلیدی ترین ابعاد این بلوغ راهبردی، فهم صحیح و دقیق از جایگاه «مذاکره» در منظومه قدرت جمهوری اسلامی است. تصور اینکه نشستن بر سر میز دیپلماسی، عقب‌نشینی از آرمان‌ها یا نادیده گرفتن فداکاری‌های میدان است، یک خطای تحلیلی است که دشمن همواره بر آن دامن می‌زند. واقعیت آن است که دیپلماسی، نه نقطه مقابل میدان، بلکه امتداد هوشمندانه آن و ابزاری برای نقد کردن و تثبیت قدرتی است که در صحنه نبرد تولید شده است.

دیپلماسی ترجمه قدرت است؛ نه نشانه ضعف

دیپلماسی در خلاء صورت نمی‌گیرد. نتیجه هر گفتگوی سیاسی، تابعی مستقیم از موازنه قدرت در خارج از اتاق مذاکره است. یک دیپلمات، نماینده اراده و توان یک ملت است و سخنان او زمانی «شنیده» می‌شود که پشتوانه آن، اقتدار محسوس و بازدارندگی مؤثر باشد. دیپلماسی بدون پشتوانه میدانی، استیصال است؛ اگر کشوری از موضع ضعف، بدون اهرم های فشار و صرفاً برای دفع یک خطر فوری وارد گفتگو شود، ناگزیر به دادن امتیازات یک‌طرفه خواهد شد.

این آن چیزی است که به درستی

«سازش» نامیده می‌شود. دیپلماسی با پشتوانه میدانی، اعمال اراده است؛ اما زمانی که یک دیپلمات با اتکا به دستاوردهای میدانی، توانمندی‌های دفاعی، انسجام داخلی و عمق راهبردی منطقه‌ای سخن می‌گوید، میز مذاکره به میدانی برای تحمیل محاسبات جدید به دشمن تبدیل می‌شود. در اینجا، دیپلماسی ابزاری است برای اینکه دشمن را وادار کنیم آنچه را که با هزینه گزاف در میدان نبرد به دست آورده‌ایم، با هزینه کمتر و با منطق سیاسی به رسمیت بشناسد. صدای یک دیپلمات قدرتمند، پژواک صدای اقتدار نظامی کشورش است؛ این دو از یکدیگر جدا نیستند.

«میدان» و «دیپلماسی» دو روی سکه اقتدار

دوگانه «میدان-دیپلماسی» یک دوگانه کاذب و انحرافی است. در دکترین راهبردی جمهوری اسلامی، این دو عنصر، مکمل و هم‌افزا هستند و منطقی یکپارچه را دنبال می‌کنند:

میدان، تولیدکننده قدرت است؛ این قدرت نظامی و توانایی ایجاد بازدارندگی است که برای کشور «حق انتخاب» ایجاد می‌کند. اگر قدرت میدانی نباشد، گزینه‌ای جز تسلیم روی میز باقی نمی‌ماند. این توانمندی‌های دفاعی است که دشمن را از دستیابی به اهدافش از طریق نظامی مأیوس کرده و او را به این نتیجه می‌رساند که ادامه درگیری، هزینه‌ای فراتر از منافعش خواهد داشت. این نقطه، دقیقاً لحظه تولد فرصت برای دیپلماسی است.

دیپلماسی، برداشت‌کننده محصولِ قدرت است: پیروزی‌های نظامی، هرچقدر هم درخشان، اگر به یک دستاورد سیاسی پایدار (مانند یک قطعنامه، یک توافقنامه مرزی، رفع تحریم یا انزوای سیاسی دشمن) منجر نشوند، می‌توانند در گذر زمان فرسوده شوند. هنر دیپلماسی این است که خون و فداکاری شهیدان و رزمندگان در میدان را به یک سند معتبر، یک امتیاز راهبردی و یک واقعیت سیاسی تثبیت‌شده تبدیل کند. دیپلماسی فعال، مانع از آن می شود که دشمن آنچه را در میدان باخته است، در عرصه سیاسی و رسانه بازپس گیرد. بنابراین، رزمنده‌ای که در میدان می‌جنگد و دیپلماتی که پشت میز چانه‌زنی می‌کند، هر دو در یک جبهه و برای یک هدف واحد، یعنی تأمین حداکثری منافع ملی و حفظ عزت ایران اسلامی مبارزه می‌کنند.

ظرفیت‌های قدرت‌آفرین دیپلماسی

دیپلماسی صرفاً گفتگوی دو یا



چندجانبه نیست، بلکه یک عملیات پیچیده با ابزارهای متعدد است که می‌تواند خود، قدرت‌آفرین باشد: در بحبوحه یک نبرد، دیپلماسی می‌تواند از طریق اقدامات هوشمندانه زیر، مسیر جنگ را به نفع یک کشور تغییر داده و به پیروزی کمک کند:

انزوای سیاسی و اقتصادی دشمن: دیپلمات‌ها می‌توانند با رایزنی فشرده با کشورهای بی‌طرف یا متحد، آن‌ها را متقاعد کنند که اقدامات طرف مقابل را محکوم کرده، روابط دیپلماتیک خود را کاهش دهند یا تحریم‌های هدفمند علیه آن وضع کنند. این کار باعث تضعیف روحیه و کاهش منابع دشمن می‌شود.

مدیریت روایت و کسب مشروعیت بین‌المللی: دستگاه دیپلماسی با ارائه مستندات و شواهد در مجامع بین المللی (مانند سازمان ملل) و رسانه های جهانی، روایت خود از جنگ را حاکم می‌کند. با معرفی دشمن به عنوان آغازگر جنگ یا ناقض حقوق بین‌الملل، افکار عمومی جهان را با خود همراه کرده و هرگونه حمایت از طرف مقابل را پرهزینه می‌سازد.

ایجاد شکاف در جبهه پشتیبانی دشمن: دیپلماسی فعال می‌تواند با شناسایی و برجسته‌سازی منافع متضاد میان دشمن و حامیانش، در ائتلاف آن‌ها شکاف ایجاد کند. برای مثال، ممکن است برخی حامیان دشمن، از گسترش دامنه جنگ نگران باشند؛ دیپلماسی می‌تواند از این نگرانی برای کاهش یا قطع حمایت آن ها استفاده کند.

استفاده از اهرم‌های حقوقی بین المللی: با شکایت در نهادهایی مانند دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) یا تلاش برای صدور قطعنامه در شورای امنیت، می‌توان فشارهای قانونی سنگینی بر دشمن وارد کرد. این

> دیپلماسی سازش نیست؛ اِعمال اراده است

اقدامات، مشروعیت اقدامات نظامی آن‌ها را زیر سؤال برده و آن‌ها را در جایگاه پاسخگویی قرار می‌دهد.

تأمین خطوط حیاتی خودی: همزمان با فشار بر دشمن، دیپلماسی برای باز نگه داشتن کانال‌های اقتصادی، مسیرهای لجستیکی و دریافت حمایت های سیاسی از متحدان خود تلاش می‌کند. تضمین جریان یافتن منابع، به اندازه وارد کردن فشار بر دشمن برای تداوم مقاومت و کسب پیروزی، حیاتی است. پس دیپلماسی در میانه نبرد، جبهه دوم جنگ است که دشمن را از پشتوانه تهی کرده و جبهه خودی را تقویت می‌کند تا قدرت تولیدشده در میدان، به یک پیروزی سیاسی پایدار تبدیل شود.



دیپلماسی سازش نیست؛ اِعمال اراده است

بلوغ راهبردی برای حفظ ایران قوی

درک این منطق پیچیده اما حیاتی که دیپلماسی به همان اندازه مهم است که قدرت نظامی، یک ضرورت ملی است. جمهوری اسلامی ایران، به پشتوانه مکتب مقاومت و تجارب گران بهای تاریخی خود، آموخته است که قدرت، یک مفهوم یکپارچه است. تضعیف هر یک از بازوهای قدرت (نظامی یا دیپلماتیک) به بهانه تقویت دیگری، منجر به فلج شدن پیکره امنیت ملی می‌شود. حمایت از دیپلمات‌هایی که با اتکا به قدرت میدانی برای تأمین منافع ملی تلاش می‌کنند، نه به معنای سازش، که عین حمایت از اصل مقاومت و اقتدار است. بلوغ راهبردی در این است که بداند دیپلماسی، ادامه و امتداد منطقی سنگر دفاع است و هر دو برای سرافرازی «ایران قوی» ضرورتی انکارناپذیر دارند.

ظرفیت‌های قدرت‌آفرین دیپلماسی

دیپلماسی صرفاً گفتگوی دو یا چندجانبه نیست، بلکه یک عملیات پیچیده با ابزارهای متعدد است که می‌تواند خود، قدرت‌آفرین باشد: در بحبوحه یک نبرد، دیپلماسی می‌تواند از طریق اقدامات هوشمندانه زیر، مسیر جنگ را به نفع یک کشور تغییر داده و به پیروزی کمک کند:

انزوای سیاسی و اقتصادی دشمن: دیپلمات‌ها می‌توانند با رایزنی فشرده با کشورهای بی‌طرف یا متحد، آن‌ها را متقاعد کنند که اقدامات طرف مقابل را محکوم کرده، روابط دیپلماتیک خود را کاهش دهند یا تحریم‌های هدفمند علیه آن وضع کنند. این کار باعث تضعیف روحیه و کاهش منابع دشمن می‌شود.



شهید سید حسن نصرالله:

ما دولت که
هیچ، قریه که
هیچ، ما حتی
طویله‌ای به
اسم اسرائیل را
هم به رسمیت
نمی‌شناسیم ...